

مقدار ۳۹/۱ درصد از رابطه مشارکت زنان در خانوار و ریاست خانوار کاذب بوده و متغیر وضع تأهل از طریق عامل ریاست خانوار اثر مثبت و غیر مستقیمی بر مشارکت زنان در خانوار گذاشته، البته میزان اثرگذاری در سطح خوب (۰/۷۷) بوده است. به بیان دیگر، زنان بی‌سرپرست که ریاست خانوار را بر عهده دارند، بیش از سایر زنان در تصمیم‌گیریهای خانواده مشارکت می‌کنند.

سپس عامل مالکیت عوامل تولید از این معادله (مشارکت زنان در خانوار و ریاست خانوار) حذف گردید، نتیجه محاسبه نشان داد، مالکیت عوامل تولید اثر ضعیفی از طریق ریاست خانوار بر روی مشارکت زنان در خانواده داشته است. زیرا با حذف این عامل، میزان ضریب همبستگی از $r=0/8408$ به $r=0/7929$ تقلیل یافت، یعنی به مقدار ۴/۸ درصد از رابطه مشارکت زنان در خانوار و ریاست خانوار کاذب بوده و متغیر

مالکیت عوامل تولید از طریق ریاست خانوار، اثر مثبت و غیر مستقیمی بر میزان مشارکت زنان در خانواده گذاشته، البته میزان اثرگذاری ضعیف (۰/۴) بوده است.

به سخن دیگر، اغلب زنانی که ریاست خانوار را بر عهده دارند، صاحب عوامل تولید نیز می‌باشند، که این امر به طور غیرمستقیم بر میزان مشارکت زنان در اداره امور داخلی خانواده تأثیر مثبت می‌گذارد.

از طرفی، با حذف متغیر درآمد مستقل از این معادله (مشارکت زنان در خانوار و ریاست خانوار)، نتیجه محاسبه نشان



میزان مشارکت زنان در شرکت‌های تعاونی روستایی و شناخت عوامل مؤثر بر آن

(استان کرمانشاه)

○ ناهید ساریخانی - مهدیه طه

□ قسمت پایانی

این رابطه چندین سؤال را برای نگارنده پیش می‌آورد، اولاً: آیا ارتباط بین این دو عامل واقعی یا کاذب است؟

ثانیاً: در صورت کاذب بودن نوع ارتباط، چه عواملی به صورت متغیر واسطه‌ای یا میانجی در این معادله نقش پیدا می‌کنند؟

به منظور پاسخگویی به سؤالات فوق، ابتدا با استفاده از تکنیک آماری، ضریب همبستگی تفکیکی اثر متغیر وضع تأهل از این معادله حذف گردید، با حذف این عامل، میزان همبستگی (ریاست خانوار و مشارکت زنان در خانوار) از $r=0/8408$ به $r=0/4501$ تقلیل یافت. یعنی، به

عوامل مؤثر بر میزان مشارکت زنان روستایی در تصمیم‌گیری خانوار در این مطالعه سعی شده، متغیرهایی که بطور مستقیم یا غیر مستقیم و یا با واسطه بر میزان مشارکت زنان در اداره امور داخلی خانوار تأثیر می‌گذارد، شناسایی گردند.

ابتدا با محاسبه ضریب همبستگی بین میزان مشارکت زنان در خانوار و عامل ریاست خانوار نتایج نشان داد، ارتباط مستقیم و قوی بین این دو عامل وجود دارد. به عبارتی، زنان سرپرست خانوار بیش از سایر زنان در اداره امور داخلی خانوار مشارکت می‌نمایند. اکنون وجود

اما متأسفانه به علت وجود موانع فرهنگی، اقتصادی - اجتماعی و بیولوژیکی همیشه نقش زنان در فعالیت‌های اجتماعی - اقتصادی جامعه کم رنگ بوده است.

به همین منظور، مؤسسه پژوهشهای برنامه ریزی و اقتصاد کشاورزی به منظور شفاف نمودن موانع بازدارنده مشارکت زنان در شرکت‌های تعاونی اقدام به تحقیق و بررسی اعضا زن شرکتها و نحوه مشارکت آنان در تعاونی‌های روستایی استان کرمانشاه نموده است که مهمترین نتایج به شرح زیر است: اطلاعات مورد نیاز در این طرح با تلفیق تکنیک‌های رجوع به اسناد ومدارک، مشاهده و پرسشنامه جمع‌آوری گردید و از ۴ نوع پرسشنامه (شرکت‌های تعاونی روستایی، زنان عضو شرکت، زنان غیر عضو، خانوارهای زنان عضو و غیر عضو) استفاده گردید و با توجه به اهداف و فرضیات و سطح سنجش متغیرها از شاخص‌های آماری نظیر: ضریب همبستگی اسپیرمن، ضریب همبستگی تفکیکی و... بهره گرفته شد.

مهمترین نتایج این مطالعه به شرح زیر می‌باشد:

نتایج نشان می‌دهد، اعضای تشکیل‌دهنده هیأت مدیره و بازرسان در شرکت‌های تعاونی روستایی را مردان تشکیل می‌دهند و زنان هیچگونه نقشی تحت عنوان هیأت‌مدیره و بازرسان در تعاونی ندارند و فقط نقش آنان به عنوان عضو ساده است و اغلب آنان علل عدم مشارکت زنان را عدم تمایل زنان و بیسوادی و کم سوادی آنان و عدم آگاهی زنان نسبت به تعاونی، بهاندادن به زنان، وجود تعصب و مردسالاری در مناطق روستایی و حجم زیاد کار زنان در خانه برشمرده‌اند.

اغلب دست‌اندرکاران اصلی شرکت‌های مورد بررسی را افراد کم‌سواد و بدون مهارت تشکیل داده‌اند، که این امر مستقیماً بر روی شیوه مدیریت شرکت تأثیر می‌گذارد. همانطور که بیان گردید، مجموع خانوارهای مورد بررسی در نقاط روستایی شهرستانهای منتخب استان کرمانشاه برابر ۱۴۴ خانوار است که از

تصمیم‌گیری خانوار برخوردار هستند. به طور کلی، می‌توان نتایج فوق را چنین بیان نمود، ریاست خانوار به عنوان متغیر اصلی و عوامل سن، مالکیت عوامل تولید، وضع تأهل و درآمد مستقل به عنوان متغیر واسطه‌ای یا میانجی در این معادله نقش داشته‌اند شکل ۳ بیانگر ارتباطات متغیرهای مورد بررسی با عامل مشارکت زنان در تصمیم‌گیری‌های خانوار است. البته این شرایط فقط مختص زنان عضو شرکت‌های تعاونی روستایی نمی‌باشد، بلکه اغلب زنانی که سرپرستی خانوار را بر عهده دارند، مشارکت بیشتری نیز در اداره امور داخلی و تصمیم‌گیری‌های خانواده داشته‌اند. اما چون در جامعه مورد بررسی، اغلب زنان عضو را زنان سرپرست خانوار تشکیل داده‌اند، این تصور را برای خواننده پیش می‌آورد که عامل عضویت زنان در شرکت‌های تعاونی موجب افزایش میزان مشارکت آنان در تصمیم‌گیری‌های خانوار گردیده است.

با توجه به مقایسه نتایج مشارکت زنان در تعاونی‌های روستایی، سطح آگاهی آنان نسبت به مفهوم و کارکرد تعاونی و مشارکت زنان در تصمیم‌گیریهای خانوار، می‌توان چنین بیان کرد که عدم مشارکت زنان در تعاونی‌های روستایی، ناشی از عدم آگاهی و اطلاع ناچیز آنان نسبت به مفهوم، فعالیت‌ها و وظایف تعاونی، عدم شرکت و مشارکت اندک آنان در تصمیم‌گیری‌های خانوار و نگرش منفی مردان نسبت به زنان و در نهایت فرهنگ حاکم در جامعه روستایی بوده است. بطوریکه نتایج رگرسیون چندمتغیره بین این عوامل نشان می‌دهد، تفاوت معنی‌داری از لحاظ آماری بین آنها وجود ندارد. زیرا همه آنان تقریباً در یک سطح قرار دارند و ارزشهای نسبتاً یکسانی را به خود اختصاص داده‌اند.

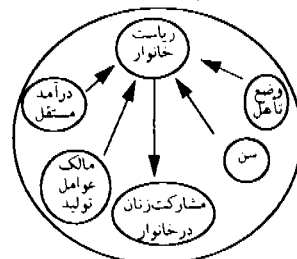
نتیجه‌گیری و پیشنهادات

با توجه به اهمیت نقش زنان روستایی ایران در توسعه و تولید مواد غذایی، صنایع دستی و در پاره‌ای نقاط، فروش فراورده‌های غذایی، لزوم ایجاد تشکلهای صنفی و تولیدی در بین آنها و مشارکت آنها به خوبی احساس می‌گردد.

می‌دهد، وجود درآمد مستقل اثر ضعیفی از طریق ریاست خانوار بر روی مشارکت زنان در تصمیم‌گیری‌های خانوار داشته است. زیرا با حذف این عامل، میزان ضریب همبستگی $r = 0/8408$ به $r = 0/8061$ تقلیل یافت، یعنی به مقدار $4/5$ درصد از رابطه مشارکت زنان در خانوار و ریاست خانوار کاذب بوده و متغیر درآمد مستقل از طریق ریاست خانوار، اثر مثبت و غیر مستقیمی بر میزان مشارکت زنان در خانواده گذاشته، البته میزان اثرگذاری ضعیف ($0/4$) بوده است.

شکل ۳ رابطه بین ویژگیهای فردی با میزان مشارکت زنان

در تصمیم‌گیری‌های خانوار



به عبارتی، می‌توان چنین بیان نمود، اغلب زنانی که سرپرستی و ریاست خانوار را بر عهده دارند، دارای درآمد مستقل نیز می‌باشند که این امر بطور غیرمستقیم بر روی مشارکت زنان در اداره امور داخلی خانواده تأثیر گذاشته است.

در ضمن با حذف متغیر سن از این معادله (مشارکت زنان در خانوار و ریاست خانوار) نتیجه محاسبه نشان می‌دهد، عامل سن اثرخیلی ضعیف از طریق ریاست خانوار بر روی مشارکت زنان در تصمیم‌گیری‌های خانوار داشته است. زیرا با حذف این متغیر، میزان ضریب همبستگی از $r = 0/8408$ به $r = 0/8359$ تقلیل یافت، یعنی به مقدار $5/5$ درصد از رابطه این معادله کاذب بوده و متغیر سن از طریق ریاست خانوار، اثر مثبت و غیرمستقیمی بر میزان مشارکت زنان در خانواده گذاشته، البته میزان اثرگذاری ضعیف ($0/3$) بوده است. به سخن دیگر، زنان میانسال و سالخورده که سرپرستی خانوار را بر عهده دارند، از میزان مشارکت بیشتری در

می‌گذارد، البته میزان اثرگذاری ضعیف بوده است.

- متغیر وضع تأهل، به عنوان یک متغیر مداخله‌گر و واسطه‌ای از طریق ریاست خانوار بر روی درآمد مستقل اعضا اثر گذاشته که این امر در نهایت بر میزان مشارکت زنان عضو تأثیر می‌گذارد، البته میزان اثرگذاری تقریباً در حد متوسط بوده است.

- متغیر سواد به عنوان یک متغیر مداخله‌گر و واسطه‌ای از طریق عامل سن، اثر منفی و غیر مستقیم بر میزان مشارکت اعضا در تعاونی روستایی گذاشته که البته میزان اثرگذاری خیلی ضعیف و نزدیک به صفر بوده است.

بطور کلی می‌توان تأثیر ویژگی‌های فردی بر میزان مشارکت زنان عضو را چنین بیان نمود، اغلب زنانی که غیر متأهل هستند، ریاست خانوار و در نتیجه مالکیت عوامل تولید را بر عهده دارند که این امر موجب افزایش درآمد مستقل آنان می‌گردد و افزایش درآمد مستقل موجب اثرگذاری مثبت بر روی میزان مشارکت زنان در تعاونی‌های روستایی است. البته میزان اثرگذاری در حد ضعیف بوده است و از طرفی زنان عضوایی که در گروه سنی جوان قرار دارند، با سوادتر از سایر اعضا بوده‌اند که این مطالب تأثیر خیلی اندک و ناچیزی بر روی مشارکت زنان عضو در تعاونی‌های روستایی داشته است.

بطور کلی شاخص آگاهی زنان نسبت به تعاونی‌های روستایی پایین و مربوط به اموری کلی است اما با توجه به اینکه شاخص آگاهی زنان نسبت به تعاونی‌های روستایی پایین است. تلاش گردید با محاسبه رگرسیون چندمتغیره فاکتورهایی که بیشترین تأثیر را بر روی این شاخص داشته‌اند، شناسایی گردد که نتایج نشان می‌دهد، ۸۸/۹ درصد از واریانس شاخص آگاهی زنان نسبت به تعاونی‌های روستایی ناشی از آگاهی نسبت به فعالیت‌های تعاونی است. البته در این مطالعه شاخص آگاهی اعضا نسبت به تقسیم سود و نحوه انتخاب نمایندگان گروه صفر مطلق بوده است و از طرفی نتایج آزمون مقایسه میانگین‌ها نشان

زنان از میزان مشارکت اقتصادی بالایی برخوردار نیستند، اما در مقایسه با سایر جنبه‌های مشارکتی (مدیریتی، اجتماعی و فرهنگی) این جنبه سهم بیشتری در میزان مشارکت زنان در شرکت‌های تعاونی روستایی داشته است. به طوری که نتایج محاسبه رگرسیون چندمتغیره نشان می‌دهد، ۹۹/۶ درصد از واریانس شاخص مشارکت زنان عضو ناشی از مشارکت اقتصادی آنان است. به عبارتی نزدیک به کل میزان مشارکت فعال زنان عضو در فعالیت‌های اقتصادی شرکت از قبیل دریافت نهاده‌های کشاورزی، وام و غیره می‌باشد و میزان مشارکت مدیریتی و اجتماعی فرهنگی زنان عضو به صفر میل می‌کند.

عوامل مؤثر بر مشارکت زنان روستایی را می‌توان متأثر از ویژگی‌های فردی اعضا، سطح آگاهی آنان نسبت به شرکت‌های تعاونی روستایی و فرهنگ حاکم در جامعه روستایی دانست.

در این مطالعه متغیرهای سن، سواد، تأهل، مسئولیت سرپرستی خانوار، درآمد مستقل، مالکیت عوامل تولید، به عنوان ویژگی‌های فردی اعضا در نظر گرفته شده است. با محاسبه ماتریس همبستگی بین فاکتورهای فوق و میزان مشارکت زنان عضو در تعاونی‌های روستایی مشخص گردید، عامل سن، درآمد مستقل در این معادله نقش یک متغیر اصلی و وضع تأهل، ریاست خانوار، مالکیت عوامل تولید و وضع سواد نقش متغیرهای مداخله‌گر و واسطه‌ای را ایفا می‌نمایند. به منظور شناخت رابطه واقعی بین متغیرهای فوق از ضریب همبستگی تفکیکی استفاده گردید که نتایج نشان می‌دهد:

- متغیر ریاست خانوار از طریق درآمد مستقل اثر مثبت و مستقیمی بر میزان مشارکت اعضا در تعاونی روستایی گذاشته است که البته میزان اثرگذاری آن ضعیف بوده است.

- متغیر مالکیت عوامل تولید، به عنوان یک متغیر واسطه‌ای و مداخله‌گر از طریق ریاست خانوار بر روی درآمد مستقل اعضا اثر گذاشته که این امر نیز در نهایت بر میزان مشارکت زنان عضو تأثیر

این میزان ۲۲/۶ درصد را زنان و مابقی را مردان تشکیل می‌دهند و از کل سرپرستان خانوار ۵۷/۷ درصد متأهل و مابقی مجرد، بیوه و یا مطلقه هستند. از مجموع سرپرستان خانوار ۹۹/۳ درصد شاغل می‌باشند که از این میزان نیز ۳۳/۱ درصد را زنان و ۷۶/۹ درصد را مردان تشکیل می‌دهند. البته شایان ذکر است که اغلب شاغلین زن به صورت نیروی کار خانوادگی بر روی زمین خود به کار اشتغال دارند.

کلیه زنان عضو شرکتهای تعاونی روستایی در نمونه منتخب به عنوان عضو فعال در فعالیت‌های اقتصادی شرکت تعاونی محسوب می‌شوند، زیرا آنان به منظور دریافت وام، خرید از فروشگاه و دریافت کارت نفت عضو شرکت شده‌اند. البته قابل ذکر است، نیمی از اعضا را زنانی تشکیل می‌دهند که بعد از فوت همسرانشان به عضویت شرکت‌های تعاونی روستایی درآمده‌اند.

متوسط مدت عضویت زنان مورد بررسی ۱۴/۵ سال است و اغلب زنان نمونه اقدام به سرمایه‌گذاری اولیه که شرط عضویت است نموده‌اند و فقط ۵/۶ درصد از آنان اقدام به خرید سهام مجدد کرده‌اند. بنابراین افزایش سهام اعضا مربوط به سود پرداخت نشده سهام یا مبالغ کسر شده از وام بوده است. از مجموع زنان عضو حدود یک سوم باسواد و مابقی بیسواد هستند و سطح تحصیل در اغلب زنان عضو در مقطع ابتدایی است البته این وضعیت در زنان غیر عضو نیز مشاهده می‌گردد. در ضمن اغلب زنان عضو مالک عوامل تولید هستند.

در رابطه با مشارکت زنان در تعاونی‌های روستایی، نتایج نشان می‌دهد، از کل زنان عضو ۵/۴ درصد آنان فقط عضو شرکت‌های تعاونی روستایی هستند بدون اینکه هیچ‌گونه فعالیتی انجام دهند و ۹۴/۶ درصد به عنوان عضو فعال (در زمینه فعالیت‌های اقتصادی) در شرکت می‌باشند.

در ضمن تلاش شده میزان مشارکت فعال زنان در سه زمینه اقتصادی، مدیریتی و اجتماعی فرهنگی مورد بررسی قرارگیرد که نتایج نشان می‌دهد در کل

مشارکت زنان در خانواده گذاشته، البته میزان اثرگذاری ضعیف بوده است.

در ضمن، این شرایط فقط مختص زنان عضو شرکت‌های تعاونی روستایی نمی‌باشد، بلکه اغلب زنانی که سرپرستی خانوار را برعهده دارند، مشارکت بیشتری نیز در اداره امور داخلی و تصمیم‌گیریهای خانواده داشته‌اند.

با توجه به مقایسه نتایج مشارکت زنان در تعاونی‌های روستایی، سطح آگاهی آنان نسبت به مفهوم و کارکرد تعاونی و مشارکت زنان در تصمیم‌گیریهای خانوار می‌توان چنین بیان کرد که عدم مشارکت زنان در تعاونی‌های روستایی ناشی از عدم آگاهی و اطلاع ناچیز آنان نسبت به مفهوم، فعالیت‌ها و وظایف تعاونی، عدم شرکت و مشارکت اندک آنان در تصمیم‌گیریهای خانوار و نگرش منفی مردان نسبت به زنان و عدم وجود اعتماد به نفس و خودباوری در زنان و در نهایت فرهنگ حاکم در جامعه روستایی بوده است.

پیشنهادات

به منظور کم رنگ کردن موانع فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی مشارکت زنان به ویژه زنان روستایی در فعالیتهای اقتصادی و اجتماعی و نیز لزوم توسعه تشکلهای صنفی و تولیدی در بین آنها و مشارکت بیشتر آنان در شرکت‌های تعاونی، انجام اقدامات زیر به خوبی احساس می‌گردد:

- به منظور دسترسی به شرکتهای تعاونی کارا و پویا باید حتماً از افراد تحصیل‌کرده و متخصص در امر تعاونیها و در ارکان اصلی شرکت‌ها سود جست، بدین منظور با تشکیل دوره‌های آموزشی و جلسات متعدد برای ارکان اصلی شرکت‌ها می‌توان تا حدودی به این مهم دست یافت.

- با ایجاد کارگاههایی از سوی شرکت‌های تعاونی روستایی در زمینه: صنایع دستی، تبدیلی و تکمیلی می‌توان به طور مستقیم و غیر مستقیم موجب افزایش نقش زنان در شرکت‌های تعاونی و اقتصاد خانوار گردید.

- با شرکت کارشناس برنامه‌ریز زن در

نتایج نشان می‌دهد، شاخص مشارکت مدیریتی زنان در امور اقتصادی خانوار پایین است و اغلب تمرکز قدرت در اداره امور مزرعه یا دامداری، فروش محصولات زراعی، دامی و باغی و صنایع دستی خانوار بر عهده مردان است. از طرفی با مقایسه شاخص مشارکت مدیریتی زنان غیرعضو و عضو در امور اقتصادی خانوار می‌توان دریافت، این شاخص در زنان غیر عضو پایین‌تر است.

شاخص مشارکت زنان در مدیریت امور غیر اقتصادی خانواده در سطح متوسط است و برعکس شاخص مشارکت در امور اقتصادی که اغلب مردان نقش محوری داشته‌اند در این قسمت در اکثر موارد زنان و مردان هر دو مشترکاً دارای نقش بوده‌اند و میزان این شاخص در زنان عضو به مراتب بیش از زنان غیرعضو بوده است.

بطور کلی، محاسبه آزمون مقایسه میانگین‌ها بین شاخص مشارکت زنان عضو و غیر عضو شرکت‌های تعاونی در تصمیم‌گیریهای خانوار نشان می‌دهد، از لحاظ آماری تفاوت معنی‌داری بین این دو شاخص وجود دارد، البته وجود این تفاوت ناشی از میزان مشارکت زنان در تعاونی‌های روستایی نیست بلکه ناشی از عوامل زیر می‌باشد:

- بین میزان مشارکت زنان در خانوار و عامل ریاست خانوار، ارتباط مستقیم و قوی وجود دارد.

- متغیر وضع تأهل از طریق عامل ریاست خانوار اثر مثبت و غیرمستقیمی بر مشارکت زنان در خانوار گذاشته، البته میزان اثرگذاری در سطح ضعیف بوده است.

- متغیر مالکیت عوامل تولید از طریق ریاست خانوار، اثر مثبت و غیرمستقیمی بر میزان مشارکت زنان در خانواده گذاشته، البته میزان اثرگذاری در سطح ضعیف بوده است. - متغیر درآمد مستقل از طریق ریاست خانوار، اثر مثبت و غیرمستقیمی بر میزان مشارکت زنان در خانواده گذاشته، البته میزان اثرگذاری ضعیف بوده است.

- متغیر سن از طریق ریاست خانوار، اثر ضعیف و غیرمستقیمی بر میزان

می‌دهد، تفاوت معنی‌داری بین میانگین سطح آگاهی زنان عضو ساده و عضو فعال (امور اقتصادی) نسبت به مفهوم، مسؤولین و فعالیتهای تعاونی وجود ندارد زیرا هم شاخص سطح آگاهی زنان عضو نسبت به تعاونی روستایی و هم میزان مشارکت آنان در تعاونی پایین بوده است.

شاخص کل نگرش مردان نسبت به زنان روستایی پایین می‌باشد که این امر بیانگر نگرش منفی مردان نسبت به توانایی، قابلیت‌ها و استقلال زنان است و چون این طرز تفکر در عمل، روح و فکر روستاییان نفوذ پیدا کرده، در نتیجه به عنوان یک ارزش اجتماعی مورد قبول زنان و مردان روستایی گردیده که این امر در واقع به عنوان عامل بازدارنده در مشارکت زنان در فعالیتهای اجتماعی و به ویژه شرکت‌های تعاونی روستایی است.

به طوری که نتایج محاسبه ضریب همبستگی اسپیرمن بین شاخص نگرش مردان نسبت به زنان با میزان مشارکت زنان در تعاونی‌های روستایی حاکی از عدم رابطه معنی‌داری از لحاظ آماری بوده است.

از سوی دیگر نتایج رگرسیون چند متغیره از شاخص نگرش مردان نسبت به زنان روستایی نشان می‌دهد، مردان نگرش منفی‌تری نسبت به توانایی‌ها و قابلیت‌های زنان روستایی دارند و در ضمن زنان نیز بر این باورند که موجوداتی ناتوان نسبت به انجام فعالیت‌های اجتماعی و در عین حال وابسته به مردان هستند.

البته با توجه به اینکه شاخص نگرش مردان نسبت به زنان در سطح پایین است اما تلاش گردید تا عواملی که بر روی افزایش این شاخص، تأثیر مثبت می‌گذارد شناسایی گردد، به طوری که نتایج ضریب همبستگی اسپیرمن نشان می‌دهد، مردانی که از پایگاه اقتصادی بالایی برخوردارند، نگرش مثبت‌تری نسبت به توانایی و قابلیت‌های همسرانشان داشته‌اند و متغیر سواد نیز تأثیر مثبت بر روی شاخص نگرش مردان نسبت به زنان روستایی داشته است.

در مورد مشارکت زنان در خانوار،

- ۱۰- حسینی گلگریز، فرهنگ توصیفی لغات و اصطلاحات علوم اقتصادی، ۱۳۶۸
- ۱۱- ساروخانی - باقر، درآمدی بر دایرةالمعارف علوم اجتماعی، تهران، نشر کیهان، ۱۳۷۰
- ۱۲- سازمان مرکزی تعاون کشور: تعاون از آغاز تاکنون، نشریه شماره ۱۶، آموزش عمومی تعاونی، تهران، سازمان مرکزی تعاون کشور، ۱۳۶۷
- ۱۳- سازمان مرکزی تعاون، تعاون، تعاون در دوران کنونی، نشریه شماره ۲۵، تهران، سازمان مرکزی تعاون کشور، ۱۳۴۸
- ۱۴- سازمان مرکزی تعاون روستا فصلنامه سازمان مرکزی تعاون روستایی، مدیریت برنامه و بودجه، نشر سازمان مرکزی تعاون.
- ۱۵- سازمان تعاون روستایی استان کرمانشاه، اوایل سال ۱۳۷۸
- ۱۶- سالنامه آماری ۱۳۷۵، پایان اسفندماه ۱۳۷۵، سازمان مرکزی تعاون روستایی ایران، وزارت کشاورزی معاونت بازرگانی و برنامه ریزی مدیریت برنامه و بودجه، ۱۳۷۵
- ۱۷- سالنامه آماری شرکت‌ها و اتحادیه‌های تعاون روستایی و کشاورزی سال ۷۵ و ۱۳۷۷، معاونت بازرگانی و برنامه ریزی مدیریت برنامه و بودجه، اداره آمار و خدمات کامپیوتری
- ۱۸- سووه - نوماس، فرهنگ اصطلاحات اجتماعی و اقتصادی، مترجم و تألیف آزاده - م تهران، نشر مازیار، ۱۳۵۴
- ۱۹- شریف پوردراب، بررسی نهضت تعاونی روستایی در ایران، مرکز تحقیقات گروه تحقیقات تعاونی، وزارت تعاون و امور روستاها، تهران، ۱۳۵۰
- ۲۰- صفی‌نژاد - جواد، نظامهای تولید زارعی جمعی بنه قبل و بعد از اصلاحات ارضی، تهران، نشر توس، ۱۳۵۳
- ۲۱- طالب - مهدی، اصول و اندیشه‌های تعاونی، تهران، مؤسسه نشر و چاپ دانشگاه تهران، ۱۳۷۶
- ۲۲- طه - مهدیه، مشارکت زنان در تعاونیهای روستایی: استان مرکزی، تهران، وزارت کشاورزی، مؤسسه پژوهشهای برنامه ریزی و اقتصاد کشاورزی، ۱۳۷۷
- ۲۳- فرجی - عبدالرضا، جغرافیای کامل ایران، ج ۱، تهران، شرکت چاپ و نشر ایران، ۱۳۶۶
- ۲۴- فنادان - منصور و دیگران، جامعه‌شناسی مفاهیم کلیدی، تهران، نشر آوای نور، ۱۳۷۵
- ۲۵- کولود- جولیبوس و کولب - ویلیام ل، فرهنگ علوم اجتماعی، زاهدی مازندرانی - محمدجواد، تهران، نشر مازیار، ۱۳۷۶
- ۲۶- ماهنامه اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی وزارت تعاون، نقش زنان در تعاونیها، دوره جدید، شماره ۴۶، تیرماه ۱۳۷۴
- ۲۷- ماهنامه اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی وزارت تعاون، فواید تشکیل تعاونیهای تولیدی زنان روستایی، دوره جدید، شماره ۸۲، شهریور ۷۶ ●

- در اختیارگذازدن و تأمین مواداولیه صنایع روستایی از سوی تعاونیها با قیمت مناسب

- ایجاد تنوع در فعالیتهای با توجه به فرهنگ روستا به صورتی که زنان وارد این نوع فعالیت شوند.

- تدوین برنامه‌ها و اتخاذ خطمشی‌های مناسب جهت ایجاد تغییر در الگوهای سنتی که مانع رشد زنان روستایی در فعالیتهای فرهنگی، اجتماعی - اقتصادی شده است.

- ترغیب، تشویق و دادن آگاهی به زنان در ارتباط با اهمیت ایجاد تشکلهای مختلف خصوصاً تشکلهای خودجوش.

- گسترش برنامه‌های آموزشی-فرهنگی در راستای اصلاح نگرش نادرست مردان نسبت به جایگاه اجتماعی زنان و لزوم تغییر بنیادی در فرهنگ فعلی حاکم بر روستا در جهت تثبیت تساوی حقوق زنان و مردان، البته این تغییر باید به صورت تدریجی صورت گیرد تا موجب آسیب رسانی به ساختار خانواده و جامعه روستایی نگردد.

منابع و مأخذ:

- ۱- ابراهیم زاده - عیسی، مشارکت، تعاون و توسعه روستایی، ماهنامه اقتصادی- اجتماعی و فرهنگی وزارت تعاون، دوره جدید، شماره ۴۰، ۱۳۷۴
- ۲- اساتمامه شرکت تعاونی روستایی، ۱۳۷۰
- ۳- انصاری - حمید، تعاونیهای زنان روستایی ضرورت باسوح، فصلنامه ۱۳۷۴
- ۴- اوکلی - دوبریدو... رهیافتهای مشارکت در توسعه روستایی، منصورنژاد - محمود، ۱۳۷۰
- ۵- اپروانی - محمدرضا، بانوان و تعاونیها، ماهنامه اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی وزارت تعاون، دوره جدید، شماره ۷۷، مرداد ۱۳۷۶
- ۶- بیک زاد - جعفر، تعاونیهای زنان کلید مشارکت و بهبود موقعیت آنان در توسعه، ماهنامه اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی وزارت تعاون، دوره جدید، شماره ۷۷، بهمن ۱۳۷۷
- ۷- بهار - فرزانه، نقش تعاون در بهبود موقعیت زنان جامعه، ماهنامه اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی وزارت تعاون، دوره جدید، شماره ۴۹، مهرماه ۱۳۷۴
- ۸- نقوی - نعمت... میانی جمعیت‌شناسی، تبریز، نشرنی، ۱۳۷۲
- ۹- جاویدان - بهادر جستاری کوتاه در: فرهنگ سنتی تعاون در ایران، ماهنامه اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی وزارت تعاون، دوره جدید، شماره ۶۳، آذرماه ۱۳۷۵

جلسات شرکت‌های تعاونی روستایی و مشارکت فعال آنان، می‌توان گامی را در جهت رفع موانع فرهنگی زنان در جامعه روستایی برداشت و نیز با ایجاد و تشکیل جلسات متعدد کارشناس برنامه‌ریز زن با زنان روستایی می‌توان سطح آگاهی و بینش زنان روستایی را نسبت به مفهوم، مسؤولین، فعالیت‌ها، خدمات و تسهیلات و قوانین حاکم در این‌گونه شرکت‌ها افزایش داد که این امر موجب مشارکت بیشتر زنان در شرکت‌های تعاونی روستایی و آشنایی بیشتر با حقوقشان می‌گردد.

- با دسترسی بیشتر زنان عضو به اعتبارات، نهادهای کشاورزی و... می‌توان میزان مشارکت اقتصادی زنان روستایی را ارتقاء داد.

- با ایجاد واحدهای آموزشی از سوی شرکت‌های تعاونی برای زنان روستایی و نیز تشویق و ترغیب زنان هنرمند به تشکیل کلاسهای آموزشی و انتقال دانسته‌هایشان به سایر زنان می‌توان گامی را در جهت بهبود مشارکت اجتماعی و فرهنگی زنان روستایی برداشت.

- در نظرگرفتن مقرری با حقوق ماهیانه، جهت زنانی که به‌صورت مری به آموزش زنان روستایی مشغول هستند.

- با تعیین زمان و مکان مناسب جهت تشکیل دوره‌های آموزشی می‌توان میزان استقبال زنان را در این‌گونه کلاسها افزایش داد

- تشویق و ترغیب شرکت مردان به همراه زنان روستایی در سمینارهای آموزشی به منظور ارتقاء فرهنگ مشارکت در جامعه روستایی.

- با تشکیل جلسات متعدد کارشناسان زن با زنان روستایی و گفتگو در مورد مسائل و مشکلات آنان در جامعه روستایی و انتخاب راهکارها و راه‌حلهای مناسب با همفکری خود اعضا می‌توان اولاً روحیه خودباوری و ثانیاً مهارت‌های اجتماعی زنان را ارتقاء داد.

- با ایجاد و تشکیل بازارچه‌هایی به صورت هفتگی یا ماهیانه در داخل روستاها و روستاهای اطراف می‌توان میزان مشارکت زنان در مدیریت امور اقتصادی خانوار را افزایش داد.